

پوشاک مردمان سیستان و بلوچستان

اشرف السادات عمرانی نسب^۱

چکیده

تهیه و دوخت لباس در طول تاریخ و در بین اقوام و ملل مختلف، اهمیت ویژه‌ای داشته است زیرا پوشاک همچون پرچم نماد فرهنگی یک کشور محسوب می‌شود. سرزمین پهناور ایران، مسکن و مأوای اقوام مختلف است، یکی از وجوه تمایز این اقوام از یکدیگر نوع لباس ایشان است. هر چند لباس مرد بلوچ را همچون مرد سیستانی پیراهن، شلوار، جلیقه و کلاه تشکیل می‌دهد اما هر یک از این البسه ویژگی‌هایی دارند که آنها را از هم متمایز می‌کند و به آن هویتی ویژه می‌بخشد. لباس زنان نیز همین گونه است. در این مقاله سعی شده پوشاک زنان و مردان سیستان و بلوچستان، به طور مجزا، معرفی شوند.

کلیدواژه‌ها: پوشاک، زنان، مردان، سیستان، بلوچستان

۱. مدیر گروه طراحی دوخت آموزشکده فنی و حرفه‌ای دخترانه زاهدان، مدرس دانشکده جامع علمی - کاربردی زاهدان و عضو انجمن طراحان لباس ایران. این مقاله گزیده‌ای از کتاب ایشان است که در مرحله چاپ قرار دارد.
۱. تنظیم مقاله توسط الهه شایسته‌رخ دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی انجام گرفته است.

مقدمه

بررسی نوع پوشاک مردم هر قومی، مؤلفه‌های گوناگونی را به ذهن متبادر می‌کند که از جمله این مؤلفه‌ها، وضعیت جغرافیایی هر منطقه است که تأثیر آن را در جنس و نیز در ظاهر لباس می‌توان مشاهده کرد. یکی از کارکردهای لباس، مصون داشتن فرد در برابر عوامل طبیعی و آب و هوایی است، مانند یکی از تن‌پوش‌های مردان بلوچ که کبا^۱ نام دارد و جنس آن از پشم است و در زمستان مورد استفاده قرار می‌گیرد. بازتاب پایگاه اجتماعی و وضعیت اقتصادی افراد نیز در نوع پوشاک آنها مؤثر است به عنوان مثال «قبا» یکی از تن‌پوش‌های مردان سیستانی است که مزین به یراق دوزی است و مخصوص مردان بسیار مرفه سیستان است.

از دیگر مؤلفه‌های مؤثر در نوع پوشاک؛ دین، باورها، عقاید و آداب و رسوم هر قوم است. به عنوان مثال می‌توان از تنبون^۲ دامن پرچین سیستانی نام برد که در هنگام مسافرت، بانوان، برای حفظ حجاب شلوار ساده‌ای زیر آن می‌پوشیدند. از شاخصه‌های بارز پوشاک سیستان و بلوچستان، تبلور هنرهای دستی به ویژه سوزن‌دوزی، یراق دوزی و سیاه‌دوزی است که زیبایی لباس را مضاعف می‌کند. این مقاله به بررسی پوشاک مردمان سرزمین سیستان و بلوچستان می‌پردازد، سرزمینی با قدمتی به درازای تاریخ.

روش تحقیق استفاده شده در این مقاله میدانی است.

پوشاک بانوان سیستان

پیراهن تاجیک: قد این پیراهن یک وجب بالای زانو است و دارای یک برش راسته است که در دو طرف پهلوها چاک‌کی تا بلندی باسن بزرگ دارد. جلو این لباس تا زیر

-
1. kabâ
 2. tonbun

سینه باز است و سجافی مزین به گلدوزی با نخ سیاه (سیاه‌دوزی) دارد. سرشانه و آستین بدون درز روی دو لایسته برش می‌خورد و آستین از سه برش تشکیل شده است (۱) راسته آستین (۲) برش مثلثی که از کارور تا ۱/۲ آستین قرار می‌گیرد (۳) مرغک که برای راحتی پوشنده به آن دوخت می‌شود. چاک بلند این پیراهن به علت پوشیدن دامن پرچینی هست که در زیر این لباس پوشیده می‌شد. برای دست‌دوزی از نخ سیاه استفاده می‌شد که در اصطلاح محلی این رودوزی را سیه‌دوزی می‌نامند. سیاه‌دوزی در انواع نامهای محلی تخم خربزه/ دندون بره/ پا مرغک/ زنجیره/ تور/ پنجولک دوخته می‌شد.

تُنَبُون: دامن پرچین که در منطقه به تنبون شگاد معروف است. زنان سیستانی دامنی را به جای شلوار در زیر پیراهن تاجیک می‌پوشیدند که عرض دامن به ده متر می‌رسید. کمر آن لیفه‌ای بود و به وسیله بندهای بومی که توسط بانوان خود منطقه بافته می‌شد بر کمر استوار می‌گردید. بعضی از بانوان تا سه عدد دامن پرچین روی هم می‌پوشیدند که لبه این دامن هم به وسیله نخ سیاه‌دوزی می‌شد.

پیراهن پاچین: بانوان سیستانی از پیراهنی استفاده می‌کردند که دارای بالاتنه کوتاه و دامنی با چین‌های ریز بود. این پیراهن یقه گود، بالاتنه کوتاه (از جلو تا ناحیه اتصال دامن باز است) آستین ساده و شمیزیه و مچ‌دار دارد. قد دامن چین‌دار این لباس تا زانو می‌باشد.

شلوار: پیراهن پاچین زنان سیستانی با شلواری که در منطقه کوتاه نام دارد پوشیده می‌شد. این شلوار از دو ساق مخروطی و میان ساق کم‌چین تشکیل می‌شد و کمر لیفه‌ای در لبه شلوار سجاف می‌خورد و روی آن با دست یا چرخ تزیین می‌شد.

پیراهن دوگریبانه: قد این پیراهن تا زیر زانو است و در یقه پشت و جلو آن چاک می‌خورد و به همین علت به آن دو گریبانه می‌گویند. مدل پیراهن مورد نظر شبیه پیراهن تاجیک می‌باشد با این فرق که قد آن بلندتر و بدون چاک و برش زیر آستین چین می‌خورد، این پیراهن با شلوار پوشیده می‌شود.

جلیقه: از پارچه ساده و تیره رنگ دوخته می‌شود، یقه آن هفت است که تا کمرگاه می‌رسد و روی آن با نوار قیطان نقش‌بندی می‌شود.

کت: کت محلی کوتاه که آستین‌های آن بلند و راسته و یقه آن گرد است و از

رنگ‌های شاد برای این پوشش استفاده می‌شود، روی آن با نوار تزیین می‌شد و در هنگام سرما از کت‌های چرمه‌دار و قزن لاله‌دار استفاده می‌کردند.

لچک یا دستمال سر: آن را تا زده و در جلو سر گره می‌زنند و دو طرف لچک را لای دستمال می‌زنند و موها به شکل چتر از زیر دستمال نمایان می‌شود.

سرپوش یا چارقد: پارچه چهارگوش رنگی یا سفید که آن را بر روی لچک می‌پوشیدند.

روبند: بعضی از بانوان برای پوشاندن صورت خود از روبند استفاده می‌کردند که این روبند از پارچه‌های کتانی سفید تهیه می‌شد و در محل چشم‌ها به طور سنتی توردوزی می‌گردید و به وسیله بند به پشت سر بسته می‌شد و قد آن تا زیر سینه می‌رسید.

کلاه: بعضی از بانوان سیستانی از کلاهکی به شکل عرق‌چین استفاده می‌کردند که روی آن نقش‌بندی شده است.

چادر: طرح آن چهارگوش و جنس آن از پنبه است و توسط بومیان منطقه بافته می‌شود. این پارچه چهارخانه مستطیل شکل را از وسط بر روی سر می‌اندازند و قد آن تا کناره‌های زانوها و پایین تر می‌رسد. نوع نامرغوب آن جاوئند نامیده می‌شد و نوع دیگر که مختص اعیان و اشراف بود از چهارخانه‌های ریز با نخ ابریشم بافته می‌شد.

کفش: مدل تخت چوبی که رویه چرمی داشت و افراد معمولی استفاده می‌کردند. آرسی‌های سرکج یا نوک برگشته مخصوص بانوان ثروتمند بود.

پوشاک مردان سیستان

پیراهن چل تریز: پیراهن گشاد و پرچینی که قد آن تا میان ساق پا می‌رسد، آستین آن از دو تکه و یک مرغک تشکیل می‌شود و مچ‌دار است و برای گشادی دامن آن از ترکهای راسته و گود استفاده می‌کنند. برای دوخت این لباس ۸ تا ۱۰ متر پارچه نیاز است و اغلب به رنگ سفید می‌باشد. این پیراهن از ۴۰ تکه تشکیل می‌شود، دور سجاف و سرمچ آن را با نخ سیاه، سیاه‌دوزی می‌کنند و روی آن کمر بند شانه‌کش می‌بندند.

پیراهن برچاک: پیراهنی بلند و گشاد تا پایین زانو که در قسمت پایین دامن گشادتر است با آستین بلند و گشاد و بدون سردست که دو طرف دامن، پیراهن چاکدار است و به آن برچاک می‌گویند. یقه گرد دارد که چاک گریبان آن بر روی شانه چپ به وسیله دکمه بسته می‌شود.

شلوار: شلوار پرچینی که لیفهای برگردان دارد، از دو ساق و یک میان ساق فراخ تشکیل شده است، شلوار به وسیله بندهای بومی که توسط خود مردم منطقه بافته می‌شود بر روی بدن استوار می‌گردد. برای دوخت آن ۶ تا ۸ متر پارچه نیاز است.

پیراهن معمول: این پیراهن از گذشته تا کنون دستخوش تغییر و تحول گشته و از گشادی شلوار آن کاسته شده است. پیراهن مردان سیستانی در گذشته راسته و گشاد و جادار دوخته می‌شد، در جلو فاقد سجاف و از سرشانه شکافی مورب تا زیر سینه داشت که به وسیله دکمه‌ای روی شانه بسته می‌شد، روی آن با ابریشم سفید خامه‌دوزی می‌شد، آستین گشاد و پر چین و مچ‌دار داشت و قد آن تا زیر زانو می‌رسید. جیب چهارگوش در پهلوها داشت. به مرور زمان از گشادی آستین آن کاسته شد و به شکل راسته با مچ درآمد. در جلو سجاف با یقه یا بدون یقه و قد آن تا زانو در دو طرف پهلو دارای چاک و جیب چهارگوش می‌باشد.



جلیقه یا باسکت: نیم تنه‌ای که در اصطلاح محلی به آن باسکت می‌گویند. سابقاً جلیقه را از نمد و گاه ابریشم تهیه می‌کردند، مردم سیستان به پوشیدن باسکت علاقمند هستند. در گذشته جلیقه جلو بسته متداول بود که از سمت سر شانه جلو بسته توسط کمربند یا تسمه باز و بسته می‌شد و در حال حاضر جلو باز یقه هفت گلابی و دارای دو جیب مغزی‌دار در بالا و پایین است. رنگ آن اغلب مشکی بود.

کت: تن‌پوشی که بر روی پیراهن به تن می‌کنند و در حال حاضر هم در تمامی مناطق شهری و روستایی رواج دارد. کت‌های سیستانی در گذشته انواعی داشت که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

جوقه: نوعی کت که به علت دوام و هزینه بسیار بالا آن را تا چند نسل به تن می‌کردند. این کت امروزه مشابه ژاکت‌هایی است که مردان مورد استفاده قرار می‌دهند و از پشم رنگ نخورده بافته می‌شد.

ستوه: کتی شبیه کت‌های نظامی با رنگ کرم شتری و پشمی بود، یقه انگلیسی داشت که افراد مرفه بر روی این کت کمربندی از تار طلا می‌بستند که به کمر تار طلا شهرت داشت و از کمر آن خنجری آویزان می‌کردند یا از کمربند شونه کش که به شکل مایل است بر روی کت می‌بستند. مردان سیستان از ستوه پشمی که از پشم شتر بافته می‌شد، در هنگام سرما استفاده می‌کردند.

قبا: تن‌پوش مردانه بلندی که در زمستان می‌پوشیدند؛ یقه آن گرد و بدون بر گردان بود و معمولاً لبه بلندی داشت و با سنجاق تزئینی باز و بسته می‌شد و جلو سینه و سرآستین را برای زیبایی بیشتر یراق‌دوزی می‌کردند. قسمت جلو باز بود و با دکمه باز و بسته می‌شد، آستین‌های ساده و گشادی داشت و در طرفین آن در پهلوها جیبی تعبیه شده بود، معمولاً دو چاک در پهلوها و یک چاک در وسط پشت قبا گذاشته می‌شد و رنگ آن معمولاً بور و سیاه بود و قد قبا تا زانو می‌رسید. این لباس مخصوص افراد بسیار مرفه سیستان بود.

کلاه: در سیستان از همان دوران کودکی کلاه بر سر می‌گذاشتند و آن را در زمستان و تابستان مورد استفاده قرار می‌دادند. به طور کلی مردان هرگز سر برهنه ظاهر نمی‌شدند و کلاهی از پشم یا کورک بر سر می‌نهادند کلاهی که مردان در خانه به هنگام

استراحت می‌پوشیدند عرقچین نام داشت که از جنس پارچه نخی بود و کناره‌های آن با نخ ابریشمی دست‌دوزی می‌شد. مردان سیستان از چند نوع کلاه استفاده می‌کردند:

- **کلاه پشمی:** این کلاه را در صحرا بر سر می‌کنند و جنس آن از پشم گوسفند است.

- **کلاه قوس:** این کلاه را مردان مسن در جشن‌ها و مراسم در زیر لنگ بر سر می‌کردند.

- **کلاه سیمی:** این کلاه از افغانستان وارد شده است و از نخ‌های طلایی و نقره‌ای بافته می‌شود.

- **کلاه پوستی:** از اسم آن پیدا است که پوستی بوده و از کشور پاکستان وارد می‌شود. افراد مرفه مخصوصاً دامادها آن را بر سر می‌گذارند.

- **کلاه نمدی:** این کلاه میان چوپانها متداول است، جنس آن از نمد و مخصوص مناطق سردسیر است.

- **لنگته^۱:** مردان سیستان برای پوشش سر خود از سربندی به نام لنگته استفاده می‌کنند. این سربند مشابه عمامه است اما به شکل عمامه روحانیون آن را به سر نمی‌پیچند بلکه یک سر آن را لای سربند و سر دیگر آن را رها می‌کنند. طول آن از ۱۰ تا ۱۱/۵ متر می‌رسد و عرض آن بین ۱/۵ متر است. جنس آن از ململ یا پارچه‌های نازک خارجی است. سربند آنها بیشتر سفید یا خاکستری است، سادات مشکی بر سر می‌کنند. سیستانی‌ها از رنگ قرمز استفاده نمی‌کنند.

- **عرقچین:** کلاه دست‌بافی است که معمولاً سفید بوده و آنرا زیر لنگته بر سر می‌کنند.

لنگ: پارچه‌ای است به طول ۳ متر و عرض حدود ۱/۵ متر که دور گردن و شانه آویخته می‌شود. آن را از پارچه‌های نخی ساده و گلدار تهیه می‌کنند. جوانان بیشتر از لنگ‌های الوان استفاده می‌کنند، در جشن‌ها و مراسم عروسی لنگ سفید کاربرد بیشتری دارد. از لنگ علاوه بر به دوش انداختن و آویختن به دور گردن استفاده‌های دیگری هم

1. longote

به عمل می‌آوردند مثلاً برای خشک کردن بدن و سر و صورت، بعد از استحمام و وضو گرفتن به هنگام نمازخواندن آن را بر روی سر نهاده یا به زیر پا می‌انداختند و گاه آن را به دور کمر می‌بستند و به عنوان کیسه از یک گوشه آن برای محل بذر و کاشتن در زمین زراعتی استفاده می‌کردند. به هنگام خرید و آوردن جنس به منزل از مزرعه لنگ را به عنوان دستمال به کار می‌بردند.

پتو: پارچه‌ای است پشمی که حدود ۱/۵ متر پهنا و دو متر طول دارد. آن را به دور کمر و گردن و شانه می‌اندازند. در حقیقت وسیله‌ای است گرم کننده که در زمستان جای لنگ را می‌گیرد. این شال را به گونه‌ای دور گردن و سر و صورت می‌پیچند که فقط چشم و بینی از میان آن نمایان است. سیستانی‌ها معمولاً شال کمر نمی‌بندند و شال سر را به کمر می‌بندند. شال را در رنگ‌های مختلف تهیه می‌کنند و به این شال در منطقه سیستان پتو اطلاق می‌شود. این شال را از جنس نمد درست می‌کنند و علاوه بر به دوش انداختن مانند لنگ هم از آن استفاده می‌کنند.

پالتوی نمدی: دامداران و کشاورزان از بالا پوش نمدی‌ای استفاده می‌کردند که یقه آن مثلی شکل و آستین آن بلند و قد آن تا زیر زانو یا بالای زانو می‌رسید.

کفش: کفش‌های متعددی در سیستان وجود دارد که سیستانی‌ها معمولاً از انواع کفشهای زیر استفاده می‌کردند:

- **چپت:**^۱ بیشتر افراد تهی دست همانند چوپانان از آن استفاده می‌کردند؛ تخت آن از لاستیک اتومبیل تهیه می‌شد و در پشت پا گره می‌خورد، مشابه کفش‌های تابستانی امروزی بود که در اصطلاح محلی به آن چپلی می‌گفتند.

- **کتوک:** نوع دیگری از کفش که ضعیفان و تهی‌دستان آن را به پا می‌کردند. تخت آن از چوب و دارای دو حفره بود که بند از آن عبور می‌کرد و در پشت پا بسته می‌شد.

- **نیم بوت:** کفشی است که ساق پا را می‌پوشاند و مردم غنی و ثروتمند از آن استفاده می‌کردند.

- **کفش بیرجندی:** رنگ آن خردلی و ساخت بیرجند است.

- **کفش چرمی:** کفشی است که چرم آن از قائنات می‌آمد و مخصوص خوانین بود. **پاپیج:** نوعی نوار پهن که طول آن ۱ متر و عرض آن ۱۵ تا ۲۵ سانتی‌متر می‌باشد. دامداران و روستاییان آن را در زمستان به دور پای خود می‌پیچند، جنس آن از پشم گوسفند است و در بعضی نقاط به آن بند می‌گویند.

جوراب: پاپوشی است که در فصل زمستان از آن استفاده می‌کنند و دو نوع است: **الف:** جوراب پشمی که از پشم گوسفند به صورت ساده یا رنگی می‌بافند. معمولاً از رنگ‌های قرمز، سیاه و سفید استفاده می‌کنند. **ب:** جوراب نم‌دی که از نم‌د بافته می‌شود.

جوتی: کفش ضخیم از جنس چرم که به وسیله رشته‌های چرم یا نخ تهیه می‌شود. **پوتین:** کفش بزمی و رزمی مردان سیستان بود که به هنگام سفر به پا می‌کردند و این کفش مخصوص افراد مرفه جامعه بود.

دستکش: چوپانان دستکش پشمی و اغلب سفید رنگ و ثروتمندان دستکش چرمی به دست می‌کردند که در مقابل سرما مقاومت داشت و در ظرافت و زیبایی بی‌همتا بود. دستکش دیگری هم در این منطقه رواج داشت که در دروی گندم به دست می‌کردند و از پوست گوسفند تهیه می‌شد و کف دست را می‌پوشاند.

پوشاک بانوان بلوچستان

چادر: این چادر گرد و تمام قد است و آن را بر سر می‌اندازند. لبه کوچکتر از شانه چپ تا پایین کمر پشت سر را می‌پوشاند و تکه بزرگتر تمام قد را در بر می‌گیرد. **گشان چادر:** چادر کوچک و مستطیل شکل و ابریشمی است که سر و پشت را تا کمر می‌پوشاند. پوششی راحت که در خانه استفاده می‌شد.

مهنا (مقنعه): این سرپوش ابریشمی و رنگین بسیار زیبا و چشم‌گیر است. **چادر چهارگوش (سری):** امروزه چادری با طرح جدید میان بانوان بلوچ رواج پیدا کرده که در اصطلاح محلی سریک خوانده می‌شود. پارچه مستطیل شکلی است به طول ۲ متر و عرض ۱ متر که زنان آن را از درازا بر سر می‌اندازند و یک سر آن را به طرف شانه رها می‌کنند. پارچه آن معمولاً از حریر و رنگهای روشن (قرمز، زرد، آبی، بنفش،

سبز) است و از قسمت جنوب بلوچستان به طرف شمال تا حدودی از تنوع رنگ آن کاسته می‌شود. زنان مسن از رنگ‌های تیره استفاده می‌کنند. این سرپوش به جای چادر در خانه استفاده می‌شود.

پیراهن: در گذشته تمام پیراهن بانوان سوزن‌دوزی می‌شد ولی به علت سختی و ظریفی طرح‌ها امروزه سه تکه در پیراهن زنان سوزن‌دوزی می‌شود که تکه بالا تنه را زی یا زیق به معنی یقه می‌گویند، جیب لباس را گفتان یا گپتان و سر آستین را آستینک می‌گویند. این سوزن‌دوزی‌ها دارای نقش و نگاره‌های رنگارنگ و دوخت‌های متفاوت در مناطق مختلف بلوچستان است که در طرح‌های پرکار (۱) شک و جلر (۲) گل کندی (۳) گل کوین (۴) گل بدون شاخه (۵) پرایز یا فرایز (۵) پیتوشک (۶) پلیرار (۷) چکند (۸) مهسن (۹) سرتوپ استفاده می‌شود. جلوی پیراهن زنان بلوچ برش می‌خورد (۱) تکه بالا تنه (زیق) (۲) برش راسته دامن در خط وسط جلو (۳) برش اریب دامن در پهلو.

شلوار: به ۶ متر پارچه نیاز دارد. کمر آن لیفه‌ای و به وسیله بندی به دور کمر جمع می‌شود. برش بیرونی ساقه‌ای شلوار قائم است و برش‌های داخلی از میان ساق اریب به دمپای تنگ ۱۵ سانتی می‌پیوندند که بر روی آن با نخ ابریشم سوزن‌دوزی می‌شود. **پاپوش:** بانوان بلوچ از چهار نوع کفش به نام (۱) سواس (۲) موچی (۳) کتوک و تک کول استفاده می‌کردند.

- **سواس:** نوعی دمپایی که از درخت یا از پورگ تهیه می‌شد.

- **موچی:** نوعی کفش که به هنگام راه رفتن صدا می‌دهد.

- **کتوک:** نوعی کفش که تخت آن چوب و با روکار کاموا در پا محکم می‌شود.

- **تک کول:** این کفش از درختچه‌ای به نام داز تهیه می‌شود و به شکل سواس می‌باشد.

پوشاک مردان بلوچستان

پیراهن یا پیرام معمولی: پیرام را جامه یا جامگ می‌گفتند و برش و دوختن آن هنر زنان بلوچ بود. گریبان یا چاک یقه را با یک دکمه که بر درازی پیراهن دوخته می‌شد، می‌بستند و بندینکی از نخ بر قسمت چپ زیق می‌دوختند، دکمه را از طرف راست

می‌بستند، چاک زیق باریک بود و تا انتهای سینه ادامه داشت، بر طرفین زیق دو آستین که آستینک می‌گفتند دوخته می‌شد، دهانه آستین گشاد بود و دارای دو جیب چهارگوش در طرفین پهلو بود که امروزه این لباس تحت تأثیر مد گاهی کوتاه، گاهی بلند و بستگی به مد روز و سلیقه پوشنده تغییر می‌کند.

پیراهن پراخ آستین (فراخ آستین): این پیراهن از دو تکه بالا تنه و دامن تشکیل شده، دامن گرد و گشاد و بلند آن تا زانو می‌رسد، آستین آن بلند و لبه آستین کلوش و فراخ است، در گذشته در مراسم جشن استفاده می‌شد.

شلوار: شلوار مردان بلوچ همانند شلوار مردان سیستانی پرچین و با لیفه‌های برگردان است، محل کشیدن بند شلوار را نیپگ (نیفه پارسی) می‌گویند. بند شلوار توسط بانوان بومی بافته می‌شود و برای دوخت آن از ۶ تا ۸ متر پارچه استفاده می‌کنند.

کفش: مردان بلوچ از چند نوع کفش استفاده می‌کنند که عبارتند از:

– **سواس و کوش:** سواس را از برگ درختچه خودرو بیابانی به نام داز یا از پورگ که برگش بهتر و با دوام‌تر است می‌بافتند؛ بدین ترتیب که برگ را در حالی که تر بود با سنگ می‌کوبیدند و می‌گذاشتند که خشک شود سپس از دو لیف که از همان جنس بود می‌بافتند و بعد لیف بند بر آن تعبیه می‌کردند و می‌پوشیدند. سواس غالباً با دوام بود.

– **تکل:** پای افزاری برای شبانها و مردم کم استطاعت بود. کفش از چرم دباغی شده گاو تهیه می‌شد (در ته کفش بانوان دو قطعه پوست به نام چوک روی هم می‌گذاشتند). ته کفش را می‌بریدند و بعد سر کفش را روی آن قرار می‌دادند و با درفش آهنی که آنرا دکروش می‌گفتند و وسیله آهنی سر تیز بود آن را می‌دوختند.

کلاه پاک: نوعی کلاه که بر روی آن پارچه‌ای به طول ۱۰ متر و عرض نیم متر می‌بندند و به شکل عمامه است که یک سر آن را از پشت سر تا حدود کمر می‌آویزند و سر کوتاه‌تر را مانند تاجی بر بالای عمامه در لای پاک استوار می‌کنند. از پارچه‌هایی به رنگ سفید، کرم یا چهار خانه استفاده می‌کنند.

کلاه بره‌ای: این کلاه از نظر شکل شبیه به قایق بود و از پوست جنین بره ساخته می‌شد. به این شکل که بره‌ها قبل از زایمان کشته می‌شدند و پوست جنین نارس را کلاه می‌کردند. این کار در پاکستان انجام می‌شود.

کلاه نخعی: این نوع کلاه از جنس پارچه است که روی آن سوزن‌دوزی می‌کنند و در قدیم بسیار متداول بود.

شال یا لانگی: پارچه مستطیل شکلی که مردان روی دوش می‌اندازند و به جای حوله و جا نماز از آن استفاده می‌کنند. روی آن سوزن‌دوزی و نقش‌بندی می‌کردند.

جلیقه: مردان بلوچ مانند مردان سیستان از باسکت یا جلیقه استفاده می‌کردند که در اصطلاح محلی به آن سینه‌بند هم می‌گفتند که همان شکل باسکت مردان سیستان بود ولی امروزه از جلیقه‌های بلند و پر جیب روی پیراهن استفاده می‌کنند.

کُبا: از جنس پشم است، یقه آن باز و توسط چند دکمه از جلو بسته می‌شود، شبیه عبا یا روحانیون بود و در منطقه سردسیر بلوچستان از آن استفاده می‌شد.



فہرست فرہنگیاران

- ۱۔ فاطمہ نخعی، متولد ۱۳۰۴
- ۲۔ حوا الہدادی، متولد ۱۳۰۸
- ۳۔ مرحومہ فاطمہ سنجرانی، متولد ۱۳۰۲
- ۴۔ مرحومہ زربی بی شہرکی، متولد ۱۳۰۱
- ۵۔ مرحوم شیردل شہرکی، متولد ۱۲۸۵
- ۶۔ مرحوم حاجی اسماعیل گرگ، متولد ۱۳۰۰
- ۷۔ ماہرخ سرگزی، متولد ۱۳۱۰
- ۸۔ استاد گل محمد صالح زہی، متولد ۱۳۰۴
- ۹۔ مرحومہ ماہ بی بی چارہ زہی، متولد ۱۳۰۰
- ۱۰۔ پری ریگی، متولد ۱۳۰۸
- ۱۱۔ سلیم گرگیچ، متولد ۱۳۰۳
- ۱۲۔ خداداد حدادی، متولد ۱۳۲۵

پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی